



## نقش محیط در شکل گیری شخصیت اجتماعی دانش آموزان

کوروش نوازنی

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی ، دانشگاه شهید باهنر اراک (فرهنگیان)

Kouroshn1381@gmail.com

۰۹۹۲۳۶۵۴۰۴۷

### چکیده :

شکل گیری شخصیت ناشی از عواملی است که بدون توجه و شناخت آنها، نمی توان برنامه تربیتی مناسبی برای انسان طراحی نمود. این عوامل به دو دسته عوامل وراثتی و محیطی تقسیم می شوند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش محیط در شکل گیری شخصیت اجتماعی دانش آموزان و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. نتایج پژوهش بر آن دلالت دارد که عواملی همچون محیط خانواده، محیط مدرسه و همسالان از جمله عوامل بیرونی و محیطی موثر بر شکل گیری و رشد شخصیت اجتماعی دانش آموزان است. تجاربی که دانش آموز از محیط خود کسب می کند، ارتباط و تعاملی که با محیط دارد و بازخوردها و تأثیراتی که از محیط دریافت می دارد، رشد شخصیت او را تحت تأثیر قرار می دهد.

**واژگان کلیدی:** شخصیت اجتماعی، محیط، خانواده، مدرسه، دانش آموزان



## مقدمه

شخصیت معرف دایره هستی هر کس است و کلیت روان شناختی و هستی شناختی وی را تشکیل می دهد و هر آنچه خارج از این دایره طرح شود بیش از شاخ و برگ و نمودهایی از آن نیست. این دایره، که از مجموعه نقاط مهم به هم پیوسته شکل یافته، در طول زمان، به تدریج شکل گرفته و عوامل متعدد و گوناگونی در شکل گیری آن مؤثر بوده و بدون آنها سخن از شخصیت بی معنا و نامفهوم است.

انسان موجودی است اجتماعی و ادامه زندگی او به صورت انفرادی تقریباً غیرممکن می باشد. از لحظه ای که فرد متولد می شود، در ارتباط با دیگران می باشد و تأمین نیازهای او ایجاب می کند که با دیگران تعامل داشته باشد، نیاز به تعامل و ارتباط در تمام مراحل رشد فرد وجود دارد. هارتاپ در مطالعات خود به این نتیجه رسید که تجارب همسالان در دوران کودکی و نوجوانی با سازگاری بعدی آنان ارتباط دارد. همچنین کودکانی که روابط نامطلوبی با همسالان دارند نسبت به آنهايي که با همسالان به خوبی کنار می آیند، احتمال بیشتری دارد که در بزرگسالی به روان پریشی، روان نژندی، ناسازگارهای رفتاری، بزهکاری و مشکلات دیگر دچار شوند. روابط انسانی برای ارضای نیازهای اساسی ما ضروری هستند. داشتن چنین روابطی با دیگران کلید رشد و کمال آدمی است. آنچه که امروز هستیم و آنچه که در آینده خواهیم شد، هر دو معلول روابط ما با دیگران است و این روابط رفتار ما را به صورت یک انسان اجتماعی شکل می دهد. (رضایی و غلامیان، ۱۳۹۶)

با توجه به مطالب فوق می توان بیان نمود که هر موجودی برای بقای خود و ارضای نیازهایش تلاش میکند تا با محیطی که در آن زندگی می کند، سازگار شود. این تلاش در انسان فرآیندی پویا و مداوم است، زیرا چون هم نیازهای او متنوع و در حال دگرگونی است و از طرفی شرایط و اوضاع محیطی که نیازهای انسان در آن باید برآورده شود، در حال تغییر و دگرگونی است. ارضای هر کدام از نیازهای مذکور، می تواند زمینه های رشد و تکامل شخصیت انسان را فراهم کند؛ در حالی که اگر این نیازها به خوبی برآورده نشود ویا موانعی روبرو گردد، مشکلات متعددی برای انسان پدید می آید. پس انسان بطور دائمی درصدد رفع آنها و سازگاری با آنهاست و این در حالی است که بیشتر نیازهای انسان در قالب روابط پویا و مداوم با دیگران ارضاء می شود. اجتماعی شدن و رشد شخصیت اجتماعی در علم جامعه شناسی به فرآیندی گفته می شود که به موجب آن افراد ویژگی های عضویت در جامعه را کسب می کنند. به بیان دیگر جامعه پذیری نوعی فرآیند کنش متقابل اجتماعی است که در آن فرد به فراگیری هنجارها، ارزش ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود پرداخته و آن را با شخصیت خود همساز می کند.

از سوی دیگر، انسان پیوسته در تلاش برای کسب شخصیتی مطلوب و ارزنده است و بدون آگاهی از عوامل مؤثر در شکل گیری چنین شخصیتی، نمی تواند به شخصیت مطلوب و آرمانی خود دست یابد. علاوه بر اینها، انسان در طول زندگی خود، پیوسته یا متری است و یا مربی؛ یا تأثیر می پذیرد و یا تأثیر می گذارد و در هر صورت، پای عامل تأثیرگذار بر شخصیت در میان است؛ به ویژه آن گاه که انسان درصدد تأثیرگذاری و پرورش دیگران به عنوان یک مربی شایسته برمی آید، هم باید به نقش عاملیت خود واقف باشد و هم نقش سایر عوامل تأثیرگذار را به خوبی درک کند و بدون برخورداری از این ویژگی، نمی تواند رسالت خود را به عنوان یک مربی ایفا نماید. (همت بناری، ۱۳۸۹) از این رو، بحث از عوامل تکوین شخصیت از جایگاه ویژه ای در عرصه روان شناسی شخصیت و تعلیم و تربیت برخوردار است و پرداختن به آن ضروری می نماید.

لطف عطا (۱۳۸۷) در پژوهش خود به بررسی تأثیر عوامل محیطی بر یادگیری و رفتار در محیط های آموزشی (ابتدایی) در شهر پرداخته و نشان داد «یادگیری، بخش مرکزی زندگی هر فرد است. حتی زمانی که به آن فکر نمی کنیم نیز اتفاق می افتد؛ با این تفکر که رفتار در خلا رخ نمی دهد؛ لذا راه های گوناگون رفتار، مرتبط با محیط کالبدی است. محیط های یادگیری از عناصری تشکیل خواهند شد که در کنار هم معنا دار می شوند. ویژگی ها و کیفیت های هر کدام از این عناصر در شکل گیری رفتارهای مختلف مؤثر می باشند. فیلسوف ژان پیازه،



بر توانایی کودک در درک جهان به طور فعال تاکید بسیار می کند و معتقد است که کودکان به طور انفعالی اطلاعات را جذب نمی کنند، بلکه آنچه را که در دنیای پیرامون خود می بینند، می شنوند و احساس می کنند، سپس انتخاب و تفسیر می نمایند. معماری، هنری است که ما را در بر گرفته است و انسان ها بیش از آنکه بر فضا تاثیر بگذارند، از آن تاثیر می پذیرند. آموزش و به تبع آن محیط های آموزشی بیشترین اثر و نقش را بر ذهنیت و تمدن سازی جوامع به عهده دارند. لازمه اصلاح کالبد آموزش و پرورش، ایجاد فضاهای مرتبط با فعالیت دانش آموزان است؛ فضاهایی که دارای شرایط مناسب و مطلوب برای رشد فیزیکی ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودکان می باشد که تحقق این امر از طریق طراحی جزییات فضاها با توجه به الگوهای رفتاری کودکان امکان پذیر می گردد. «

یافته های تحقیق ملکی پور (۱۳۹۳) در بررسی نقش مؤلفه های محیطی بر رشد همه جانبه کودکان نشان داد « مؤلفه های محیطی، از جمله محیط خانوادگی، وضعیت اقتصادی - اجتماعی، نگرش والدین، وجود یا نبود خواهر و برادر، مهدکودکها، زمینه فرهنگی - اجتماعی، فعالیتهای بدنی، بازی و همچنین همسالان، نقش بسزایی در رشد همه جانبه کودکان دارند. «

قربانی و جمعه نیا (۱۳۹۷) در تحقیقی به بررسی نقش عوامل اجتماعی (خانواده، مدرسه و گروه همسالان) در جامعه پذیری دانش آموزان استان گلستان پرداخته و نشان دادند « بین گروه همسالان، خانواده، مدرسه و جامعه پذیری رابطه همبستگی مثبت و معنی داری وجود داشت. همچنین بین گروه های سنی مختلف و جنس (دختر و پسر)، تفاوت معناداری در جامعه پذیری وجود داشت. در خاتمه همچنین خانواده، پیش بینی کننده جامعه پذیری دانش آموزان گزارش شد. نتایج این پژوهش با پژوهش های بسیاری هم خوان بود. در دوره جدید، تغییرات چشمگیری در عوامل جامعه پذیری صورت گرفته است؛ به طوری که امروزه، حضور در فضای مجازی هم بر فرد جامعه پذیر و هم دیگر عوامل جامعه پذیری تأثیر گذاشته است. وزن و ترکیب عوامل جامعه پذیری (خانواده، مدرسه، همسالان) در سه دوره سنتی، مدرن اولیه و مدرن متأخر دگرگون شده است؛ اما همچنان نقش خانواده منحصر به فرد و بی بدیل مانده است. «

حسین پور و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود به بررسی نقش مدرسه در شکل گیری شخصیت دانش آموزان پرداخته و به این نتیجه دست یافتند که « پس از خانواده، مدرسه نقش بسیار مهمی در زندگی اجتماعی کودک و نوجوان بر عهده دارد و از عوامل مهم تربیتی و سازنده معیارها و ارزش های ذهنی و تفکر و راه و روش کودکان و نوجوانان در جامعه به شمار می رود، زیرا دانش آموز بیشتر اوقات زنده و فعال خود را در مدرسه می گذراند و حال اگر مدرسه نتواند به وظایف تربیتی و پرورشی خود عمل کند یکی از عوامل انحراف و بزهکاری محسوب می گردد. «

نتایج پژوهش بابایی (۱۴۰۱) در بررسی عوامل موثر بر شکل گیری شخصیت اجتماعی دانش آموزان با تاکید بر نقش خانواده - مدرسه نشان داد « از دیدگاه معلمان مهمترین عوامل شکل گیری شخصیت اجتماع ی دانش آموزان مربوط به تعامل بین والدین ، ارتباط والد یا والدین با فرزندان و در نهایت ارتباط والدین با معلمان می باشد. «

## روش شناسی

پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی و با اتکا به منابع کتابخانه ای به بررسی نقش محیط در شکل گیری شخصیت اجتماعی دانش آموزان پرداخته و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی از قبیل کتب ، مقالات و پایان نامه ها می باشد.



## بحث درباره یافته ها

شخصیت را شاید بتوان اساسی ترین موضوع علم روانشناسی دانست، زیرا محورهای اساسی بحث شخصیت در زمینه هایی مانند یادگیری، انگیزه، ادراک، تفکر، احساسات و عواطف است. مفهوم اصلی و اولیه شخصیت تصویری صوری و اجتماعی است که بر اساس نقشی که فرد در جامعه بازی می کند ترسیم می شود، یعنی در واقع فرد به اجتماع خود شخصیتی ارائه می دهد که جامعه بر اساس آن، او را ارزیابی می کند. (christopher et al. 2011) شخصیت هر فرد، کل خصایص بدنی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی اعم از موروثی یا اکتسابی است که او را به طور آشکار از دیگران مشخص می کند. شخصیت شامل آنچه فرد امروز هست و آنچه امیدوار است بشود، می باشد. پس هر صفتی که فرد را از افراد دیگر ممتاز می کند، جنبه ای از شخصیت او را تشکیل می دهد. (پوررشیدی و جلالی، ۱۳۸۹)

واژه شخصیت (Personality) ریشه در کلمه لاتین Persona دارد. این کلمه به نقاب یا روبندی گفته می شد که بازیگران نمایش در یونان قدیم به صورت خود می زدند و به مرور، معنای آن گسترده شد و نقشی را که بازیگر ایفا می کرد نیز دربر گرفت. (شاملو، ۱۳۷۴) از نظر اصطلاحی، تعریف های گوناگونی برای «شخصیت» ارائه شده است. روان شناسان و نظریه پردازان شخصیت هر یک بر اساس دیدگاه و نظریه خاص خود، تعریفی از «شخصیت» را ارائه داده اند و از این رو، تعاریف متعدد و متکثری از آن ارائه شده است. در چنین شرایطی، انتخاب یک تعریف از میان تعاریف و ترجیح آن بر سایر تعاریف امری مشکل می نماید. از بررسی اجمالی تعاریف متعدد ارائه شده، می توان به دو جنبه اساسی و مهم، که به نحوی مورد توافق بیشتر نظریه پردازان قرار گرفته اند اشاره نمود. این دو جنبه عبارتند از:

۱. جنبه تفاوت های فردی؛

۲. جنبه ثبات و استمرار در برخی ویژگی ها.

جنبه اول در شخصیت اشاره به این دارد که به رغم برخی ویژگی های مشترک در میان افراد، هر کس از ویژگی های خاصی برخوردار است که به کمک آنها، از دیگران متمایز می شود و از این رو، نمی توان دو نفر را یافت که از جهات گوناگون همسان باشند. اما جنبه دوم بر این وضعیت دلالت دارد که شخصیت هر کس به رغم تغییراتی که در آن ایجاد می شود، یک واحد سازمان یافته است و برخی صفات ثابت و پایدار دارد که پیوسته همراه او آیند و او بدان ها شناخته می شود. (همت بناری، ۱۳۸۹) با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می رسد تعریف ذیل، که در برخی کتاب های روان شناسی شخصیت آمده، تعریف نسبتاً جامعی است: «شخصیت» عبارت است از: «مجموعه ای سازمان یافته و واحدهای متشکل از خصوصیات نسبتاً ثابت و مداوم و بر روی هم که یک فرد را از فرد یا افراد دیگر متمایز می نماید.» (شاملو، ۱۳۷۴)

## مراحل تحول شخصیت

مرحله پیش تولدی: یا مرحله در حول و حوش رویداد زادروز؛ که در آن تفرد در سطحی به وقوع می پیوندد که به زحمت می توان آن را روانشناختی دانست.

مرحله پس تولدی یا نخستین دوره ی کودکی که بلافاصله پس از تولد آغاز می شود و واجد وهله ی نوزادی یا نوتولدی و مقدمات تمایز آزمودنی و شی و تسلط حسی، حرکتی بر واقعیات برونمی نزدیک است؛ سال اول زندگی.



مرحله یادگیری رمزی یا گذار از نخستین هماهنگی‌ها به کنش نمادی که با غلبه مسئله خود پیروی در ارتباط کلامی مشخص می‌گردد؛ سال دوم و سوم زندگی.

مرحله درونی کردن و حل کردن تعارض‌های ناشی از مشکلات سازماندهی من و جهان آن که به نوعی تصاحب تصویری از واقعیت و قدرت تغییر دادن آنها منتهی می‌شود؛ از سه سالگی تا شش سالگی.

مرحله تحول اجتماعی و عقلی که متمرکز بر اکتساب‌های ابزاری است اکتساب‌هایی که قدرت من را گسترش می‌دهد و با انواع جدیدی از اشیا ارتباط می‌یابد؛ از شش سالگی تا دوازده سالگی.

و بالاخره مرحله پیش نوجوانی و جوانی که یافته‌های قبلی را دوباره در بوتۀ تجربه قرار می‌دهد یافته‌های مرحله ی قبلی با استقلال‌هایی که فرد به آنها دست یافته است و بر اثر تشدید جدید وابستگی نسبت به اشیا مورد علاقه مخصوصاً موضوع‌های جنسی و نمایندگان فرهنگی و فنی آنها دستخوش تنزل شده‌اند (واعظی، ۱۳۹۴)

### عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت از دیرباز به دو دسته معروف «فردی یا وراثتی» و «محیطی» (غیروراثتی) تقسیم شده‌اند. عوامل وراثتی عوامل تأثیرگذار پیشینی هستند و خود فرد و محیط پیرامون آن چندان نقشی در آنها ندارد و از طریق ژن‌ها به فرد منتقل می‌گردند. «عوامل محیطی» عواملی هستند که ناشی از محیط پیرامونی فرد بوده و ژن‌ها نقشی در آنها ندارد و عمدتاً پس از تولد فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این نوشته، موضوع بحث، عوامل غیروراثتی است و از عوامل وراثتی سخن به میان نمی‌آید.

عوامل غیروراثتی را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود: عوامل بیرونی و عوامل درونی. «عوامل بیرونی» عواملی هستند که از بیرون بر وجود انسان تأثیر می‌گذارند؛ از قبیل خانواده و همسالان. عوامل درونی عواملی هستند که به درون انسان مربوط می‌شوند و بر او تأثیر می‌گذارند؛ از قبیل اراده، ناهوشیاری. همچنین باید توجه داشت که این مقاله درصدد استقصای همه عوامل تأثیرگذار غیروراثتی نیست، بلکه برخی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار را، که در روان‌شناسی شخصیت بیشتر مورد توجه نظریه‌پردازان شخصیت واقع شده، مورد توصیف قرار می‌دهد.

### ۱. عوامل فردی (وراثتی) :

عوامل فردی در شکل‌گیری شخصیت چند عامل اساسی از جمله وراثت، سن و محیط می‌باشد هر انسانی که کم و بیش واجد وراثت و صفات و ویژگی‌های فطری پدر و مادر خویش است و برخی از این صفات به صورت نمایان و برخی دیگر را به حالت نهان به ارث می‌برد. برخی از خصوصیات جسمانی نمایان وراثت مانند رنگ چشم، رنگ مو، ریخت بدنی و شکل بینی انسان که اساساً در زمان بسته شدن نطفه تعیین می‌شود و صفات نهان در وراثت مانند هوش، حافظه و استعداد های هنری... که از راه وراثت به فرد انتقال می‌یابد.

رشد شخصیت فرد از کودکی آغاز می‌شود و به تدریج در قالب مجموعه ای از واکنش های رفتاری در کودک شکل گرفته و ظاهر می‌گردد هرچند از سن کودک بگذرد واکنش او اختصاصی تر می‌شود. در واقع شخصیت هر فرد دارای یک سازمان پویا و پایدار است که حاکم



بر رفتار و کردار وی می باشد، برخی از این سازمان ها دارای وحدت عمل هستند و برخی دیگر به تفاوت انسجام وحدت عمل کمتر و بیشتر دارند. (اعتمادی، ۱۳۹۱)

## ۲. عوامل محیطی (غیر وراثتی):

انسانی که با ویژگی های ژنتیکی و جسمانی به دنیا می آید. از آن پس سروکار او با محیط و اطراف خواهد بود. همان طوری که وراثت در شکل گیری نوزاد نقش اساسی دارد، محیط مناسب هم می تواند در شکل گیری شخصیت و همچنین شکوفایی استعدادهای ارثی فرد تأثیر وافر داشته باشد؛ هر نوزاد با تواناییها و استعدادهای گوناگون متولد می شود اما شکوفا شدن و یا نشدن این استعدادها و توانایی ها بستگی به محیط دارد که نوزاد در آن قرار دارد. روان شناسان معتقدند محیط های متفاوت و فرهنگ های متفاوت می تواند در شکل گیری شخصیت کودکان تأثیر گذار باشد و محیط موثر در رشد و نمو رفتار و شخصیت فرد می تواند در جهات مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

### ۲- ۱. محیط قبل از تولد نوزاد:

پس از آنکه نطفه موجود زنده بسته شد، رحم مادر اولین محیط مناسب برای رشد شخصیت جنین بشمار می آید. تغذیه، بهداشت، آب و هوای سالم و تن سالم در این دوره اثر زیادی در رشد داشته و تغذیه و محیط زیست نامناسب و بیماری بدنی و مصرف داروهای شیمیایی و کشیدن سیگار و رادیوگرافی پی در پی از مغز و شکم مادر هنگام بارداری در ساخت و رشد جنین تأثیر سوء به جا می گذارد. و ممکن است موجب عقب ماندگی های ذهنی و هوشی و یا معلولیت جسمی کودک گردد. که به نوبه خود این تأخیر یا سلامت در نوع رفتار فرد تأثیر خواهد گذاشت.

### ۲- ۲. محیط بعد از تولد نوزاد:

#### ۲- ۲- ۱. خانواده:

خانواده از مهم ترین عوامل مؤثر بر شکل گیری شخصیت به شمار می آید. به همین دلیل، کمتر نظریه مربوط به شخصیت را می توان یافت که به نحوی در آن از تأثیر این عامل بر شکل گیری شخصیت انسان سخن به میان نیامده باشد. این تأثیر، به ویژه در دوران اولیه زندگی انسان، بسیار محسوس و ملموس است و خانواده از جهات گوناگون، در رشد شخصیت کودک مؤثر است. خانواده کودک، هم از لحاظ تعداد نفرت، هم از نظر ارتباطات با کودک و هم از جنبه در اختیار گذاشتن امکانات مختلف، می تواند در رشد شخصیت کودک نقش داشته باشد. (کریمی، ۱۳۷۸)

محیط خانواده در ساختن شخصیت فرد تأثیر بسزایی دارد. اولین کسی که کودک با او آشنایی و ارتباط برقرار می کند، مادر است از این رو نقش مادر در سالهای اولیه ی زندگی کودک و در رشد و تکامل شکل گیری شخصیت انکارناپذیر است. غالباً در طول حیاتش با او همراه بوده و بچه محروم از مهر مادر و پدر غالباً واجد خصایصی می باشد: از جمله کندی در تکلم، کاهش بهره هوشی، کمی فعالیت، کمی وزن بدن، اختلالات عاطفی و روحی روانی و پرخاشگری در اثر برخورد ناشایسته ی والدین، لذا خانواده به عنوان یکی از مهمترین عوامل محیطی و



اجتماعی تلقی می‌گردد که در شکل‌گیری رفتار سهم بسیار مهمی ایفا می‌نماید؛ عاملی است که می‌توان گفت، کمابیش در تمام مقاطع سنی با فرد در ارتباط است و به شکل‌های مختلف تأثیر گذار. هرچند میزان تأثیر گذاری خانواده در همه مقاطع سنی یکسان نیست.

از آن‌جا که خانواده نخستین جایگاه زندگی اجتماعی کودک است، بنابراین در شکل‌گیری اندیشه‌ها، گرایش‌ها، تمایلات و عادت‌های اجتماعی کودک، نقش بسیار ارزنده‌ای دارد. برای این‌که رشد و تکامل شخصیت اجتماعی کودک به‌طور طبیعی و کامل صورت پذیرد، باید شرایط خاصی در محیط خانواده حاکم باشد که به‌طور خلاصه در زیر مورد بحث قرار گرفته است:

کودک باید در محیط خانواده، احساس آرامش و امنیت نماید و اطمینان داشته باشد که مورد محبت و احترام دیگران است. وقتی کودک در خانواده مورد مهر و محبت قرار می‌گیرد، روابط اجتماعی‌اش بیش از پیش تقویت خواهد شد اما اگر محیط خانوادگی کودک همراه با ترس و اضطراب باشد، کودک پیوسته احساس حقارت و تنفر کرده و فردی کینه‌توز و بدبین بار می‌آید و به‌طور قطع در ارتباطات اجتماعی خود دچار ضعف یا شکست خواهد شد. کودک باید بتواند در محیط خانواده، استعداد و توانایی‌اش را پرورش دهد که این کار به وسیله‌ی بازی، شرکت در تجارب اعضای خانواده و... امکان پذیر است. البته والدین هم می‌توانند با شویق فرزندان خود و غنی‌تر ساختن محیط فرهنگی خانواده، نقش مؤثری را در این زمینه ایفا نمایند.

خانواده نباید کودک را به خاطر عدم توانایی در انجام برخی امور مورد سرزنش و بازخواست قرار دهد، زیرا این کار سبب می‌شود که کودک در لیاقت و توانایی خود شک نموده و احساس حقارت کند یا به‌طور کل از خود مأیوس شود. کودک در سال‌های اولیه‌ی زندگی، تمایل زیادی دارد که ابراز وجود و شخصیت نماید و توجه والدین و سایر اطرافیانش را به توانایی‌ها و استعدادها خود جلب کند، از این رو والدین باید به این نکته توجه کافی داشته باشند و کارهای کودک خود را به دید حقارت نگاه نکنند.

خانواده، نخستین مرکز یادگیری کودک است زیرا کودک، بسیاری از رفتارهای اجتماعی خود را از محیط خانواده فرا می‌گیرد که از آن جمله می‌توان احترام به حقوق دیگران، داشتن خصلت‌های نیکو یا زشت و سازگاری با محیط خانواده و دیگران را نام برد؛ هم چنین اساس بسیاری از باورهای کودک در کانون خانواده پایه‌ریزی می‌شود و کودک یاد می‌گیرد که به ارزش‌ها و اعتقادات خانواده تعصب داشته باشد یا نسبت به آن‌ها بی‌اعتنایی کند.

اهمیت رشد استقلال و اعتماد به نفس در کودک بسیار قابل توجه بوده و این رشد زمانی در کودک شکل می‌گیرد که وی بتواند هر آنچه در توان دارد را به صورت آزادانه انجام دهد. در صورتی که انتظارات بزرگسالان از کودک بی‌جا و بیش از حد بوده باشد و یا به کودک اجازه فعالیت، تجربه اندوزی و کنجکاوی داده نشود، کودک هیچ وقت اعتماد به نفس لازم را بدست نخواهد آورد و با توجه به اینکه بزرگسالان در حکم الگو برای کودک می‌باشند، لذا کودک بسیاری از رفتارها را از طریق مشاهده می‌آموزد. بنابراین والدین باید همه تلاش خود را انجام دهند تا سرمشق مناسبی برای کودکان خود باشند.

شیوه رفتار والدین در رشد و تربیت اجتماعی کودک بسیار مؤثر است. در صورت مشاجره دائمی والدین با یکدیگر در خانواده، رشد اجتماعی کودک دچار لطمه می‌گردد. در این شرایط کودک مضطرب شده و همواره نگران دعوا و مشاجره بین والدین خود می‌باشد. این اتفاق آثار روانی بدی بر روی کودک برجای گذاشته و زمینه ساز انحراف و بزهکاری وی را فراهم می‌آورد. علاوه بر این، در این خانواده‌ها فرزندان نیز از رفتار ناپسند والدین خود تبعیت کرده و با همسران خود نیز به همان شیوه و سبک رفتار می‌کنند. این مسئله علاوه بر ایجاد ناراحتی‌های بسیار روحی و روانی در خانواده، ممکن است در طولانی مدت نیز منجر به تباهی جوامع گردد.



آداب معاشرت را کودکان ابتدا در خانواده و از راه مشاهده اعمال و رفتار اعضای آن یاد می گیرند . زمانی که کودک شاهد وعده وعید هایی است که هیچ گاه عملی نمی شوند و قول هایی هایی که فقط در حد حرف باقی می ماند ، کودک یاد می گیرد که او نیز بین گفتار و رفتار تفاوت زیادی وجود داشته باشد . بنابراین باید بین گفتار و کردار والدین و سایر افراد خانواده هماهنگی کافی وجود داشته باشد تا کودکان بتوانند در گفتار و عمل خود قاطع و صادق باشند، به راحتی تصمیم بگیرند و به تزلزل روحی و عدم تصمیم گیری و انحراف در گفتار و عمل دچار نشوند. (توتکله علی پور ، ۱۳۹۰)

آنچه تاکنون بیان شد، اشاره به نقش کلی والدین بود. با این حال، هر یک از والدین نقش خاصی دارد که در این میان، نقش مادر، به ویژه در سال های اولیه زندگی بسیار برجسته تر از نقش پدر است. در ذیل، به نمونه هایی از نقش مستقل آنها، به ویژه تأثیر مادر، اشاره می شود. در زمینه نقش پدر، با توجه به جایگاه وی در خانه و اقتدار و مدیریت کلانی که بر محیط خانه دارد، نقش وی در کودک می تواند از نوع مدیریت و اینکه - مثلاً - خودکامه باشد یا نه، و به دیدگاه های دیگر اعضای خانواده توجه کند یا نه، آشکار شود. اما در مقابل، نقش مادر در شکل گیری، به ویژه در ابتدای کودکی، بیشتر مورد توجه روان شناسان قرار گرفته است. برای نمونه، اریکسون در خصوص نقش مادر در مرحله «اعتماد در برابر بی اعتمادی» معتقد است: « تعامل بین کودک و مادر تعیین می کند که آیا کودک دنیا را با نگرش اعتماد خواهد دید یا بی اعتمادی. اگر مادر به نیازهای جسمانی کودک پاسخ دهد و محبت، عشق و امنیت کافی برای او تأمین کند از آن پس کودک شروع به پرورش دادن حس اعتماد خواهد کرد. » (شولتز ، ۱۳۸۴)

علاوه بر والدین، خواهران و برادران نیز در شکل گیری شخصیت فرد تأثیر گذارند. خواهران و برادران معیارهایی تعیین می کنند، الگوهایی برای تقلید فراهم می کنند و برای همدیگر نقش های مکملی را بازی می کنند که از طریق آن، می توانند کنش متقابل اجتماعی را تمرین کنند و در مواقع تنش عاطفی، به یکدیگر یاری رسانند. (ماسن ، ۱۳۶۸)

## ۲-۲-۲ . مدرسه

مدرسه عامل دیگر محیطی- اجتماعی است که می توان مدرسه را اولین حضور در اجتماع بدون تکیه بر خانواده دانست؛ مدرسه اولین محلی است که کودک متوجه نقش فردیت در جامعه خواهد شد. مدرسه موسسه ای اجتماعی است که یک دانش آموز در سطوح متعدد اجتماعی، اقتصادی، هوشی و سنی با دیگر دانش آموزان و افراد برخورد کرده و ضمن هماهنگی خود را به سلاح علم مجهز نموده و در کنار آن صفات لازم تکاملی را نیز به تدریج می آموزد.

کودک از سن ۵-۶ سالگی وارد مدرسه می شود و از طریق عناصر و اجزای گوناگون از قبیل معلم، کتاب های درسی، همکلاسان، شیوه های آموزشی و مقررات بر رشد شخصیت اجتماعی کودکان تأثیر می گذارد زیرا مدرسه جانشین خانواده و معلم جانشین مادر است. اگر اولیای مدرسه و معلمان شخصیت برتر و عالی داشته باشند؛ دانش آموزان نیز زیر نفوذ تأثیر آنها قرار خواهد گرفت. معلمانی که منضبط و با اخلاق هستند و به دانش آموزان ارزش قائلند تأثیر گذارند و عامل دیگری که در رشد و شخصیت کودکان در مدرسه تأثیر گذار است؛ موفقیت تحصیلی است؛ دانش آموزانی که در فعالیتهای درسی خود موفق هستند معمولاً با تقدیر و رضایت خاطر دیگران مواجه می شود و سرور و اعتماد به نفس پیدا می کند.

لحظاتی را که دانش آموز در مدرسه سپری می نماید از مهم ترین و حساس ترین لحظات زندگی او می باشد. فضای مدرسه تحت تأثیر عناصر گوناگونی از قبیل معلم، مدیر، ناظم، مستخدم، مسئول تربیتی و همکلاسی ها قرار دارد که همه آنان می توانند برای دانش آموزان



الگو و سرمشق باشند و در شکل گیری ابعاد روحانی آنان ایفای نقش نمایند. فضای فیزیکی روانی و آموزشی مدرسه از جمله مسایلی است که می تواند بازتاب مهم و قابل توجهی بر ساختار رشد و تکامل ذهنی و فکری و نیز خلاقیت و سلامت روان دانش آموزان داشته باشد و به عنوان زیربنایی از بنیادهای حرکت اجتماعی فردای دانش آموزان مورد نظر قرار گیرد.

نوع پیش ها، اطلاعات، عقاید و آرزوهای محیط درس و مدرسه و مربیان و مسئولان سازنده ایمان دانش آموز است. در محیط مدرسه باید عوامل اخلاقی نظیر پاکدلی، پاکبازی، صداقت و راستگویی، گذشت و فداکاری، استقامت و شکیبایی، انصاف و عدالت حکمفرما باشد، تا شخصیت و عالم درون کودکی با این عوامل حسنه عجین شود و به صورت خوی و عادت در وجود او بروز نماید.

## ۲-۲-۳. گروه همسالان

همسالان نیز عامل محیطی دیگری است که در تکوین شخصیت فرد تاثیر گذار است. نقش این عوامل به اندازه ای تاثیر گذار است که در دین اسلام نیز توصیه بسیاری در انتخاب درست دوست شده است و والدین موظفند که بر ارتباط فرزندان خود با دوستانشان نظارت کامل داشته باشند. در خانواده هایی که تعهد و پایبندی به دین و مذهب وجود ندارد، تربیت نوجوان با خطر همراه است. زیرا که فرزندان در این خانواده ها بی بند و باری و بزهکاری را می آموزند. تاکید روانشناسان نیز همواره بر انتخاب دوست مناسب بوده که بر رشد و تکامل شخصیت وی تاثیر مثبتی بگذارد. رابطه با دوستان خوب موجب می شود شخصیت نوجوان به صورت مثبت شکل بگیرد.

کودکان در قالب گروههای همسالان و دوستان بسیاری از رفتارها و نقشهای فردی و اجتماعی را فرا می گیرند، به تقلید نقشها و رفتارها می پردازند و همچنین مهارتهای زیاد اجتماعی و حتی کلامی را فرا می گیرند؛ زمانی که کودک توانایی برقراری ارتباط با دیگران را پیدا می کند نقش همسالان و دوستان در شکل گیری شخصیت وی آشکار می گردد و این روند تا دوره نوجوانی ادامه خواهد داشت و به بیان دیگر کانون تأثیر گذاری عامل دوستان و همسالان در دوره ی نوجوانی است؛ کودکان دوست دارند همیشه در کنار همسالان خود باشند و باهم بازی نمایند. هرچقدر کودکان با همسالان خود صمیمی، مهربان، صادق و با سخاوت، باشند. این خصوصیات متقابلاً بر روی شخصیت همدیگر اثر خواهد گذاشت.

## نشانه های اصلی رشد شخصیت اجتماعی

### ۱. استقلال:

نخستین نشانه رشد اجتماعی استقلال است یعنی توانایی انجام کارها بدون کمک گرفتن از دیگران، یا اینکه فرد توانایی آن را داشته باشد که گهگاهی هم تنها باشد و از این تنهایی لذت ببرد، همراهی نکردن دیگران نیز نباید باعث چشم پوشی او از علاقه مندی های او شود. استقلال یا آزادی نتیجه دو عامل است نخست احساس توانایی فرد در حل مشکلات و هدایت اعمال خویش. دوم اعتمادی که خانواده به فرد پیدا می کنند که آن نیز نتیجه توانایی است که از خود بروز می دهید. پس یک شخص رشد یافته دائماً منتظر کمک دیگران نیست و مستقلاً تصمیم می گیرد. در واقع یکی از مهمترین ویژگیهای فرد رشد یافته از نظر اجتماعی به استقلال در تصمیم گیری ها بر می گردد. همچنین محدوده استقلال نیز قابل توجه است، هر چند زیاده روی در استقلال ممکن است عقب ماندگی به همراه داشته باشد. زیرا نمیتوان جدا از دیگران به زندگی ادامه داد.



## ۲. مسئولیت پذیری:

مسئولیت پذیری در فرد یعنی پذیرفتن وظایف و نقش هایی که جامعه به او محول نموده است . مسئولیت پذیری را یک الزام و تعهد درونی از سوی فرد برای انجام مطلوب همه ی فعالیت هایی که بر عهده او گذاشته شده است تعریف می کند و معتقد است که مسئولیت پذیری از درون فرد سرچشمه می گیرد. در مسئولیت پذیری هر کسی مسئول اعمال و رفتار خویش می باشد و انسان رشد یافته اجتماعی انسانی است مسئولیت پذیر ، که از پذیرش مسئولیت فرار نمی کند، از برعهده گرفتن مسئولیت های ولو سنگین که از عهده وی برمی آید استقبال می کند . با پذیرش مسئولیت و مبارزه با مشکلات و درگیر شدن با مسائل است که انسان رشد می یابد و استعدادهای نهفته اش شکوفا می شود و از این طریق است که اعتماد بنفس در انسان پا می گیرد .

## ۳. آینده نگری:

آینده نگری در لغت به معنای بررسی کردن عواقب کارها و مصالح را سنجیدن و بر طبق آن عمل کردن است و در تعریف اصطلاحی: آینده نگری یعنی گسترش افق دید خود و دیدن پشت پرده مسائل و هم چنین زمانی که شخص در آن است؛ یعنی در زمان حال، آینده را دیدن که نتیجه آن، چاره اندیشی برای رخدادهای احتمالی است انسان رشد یافته اجتماعی آینده نگر است ، و درک می کند که تصمیم امروزش ممکن است بر زندگی فرداها و سالهای آینده اش تاثیر بگذارد ، پس بیش از اینکه به محرکهای آنی و لذتهای آنی فکر کند به دراز مدت می اندیشد . البته این نگرش مستلزم برخورداری از ذهنی توانا در پیش بینی و برنامه ریزی آینده است.

## ۴. میانه روی:

میانه روی در لغت به معنای حد وسط بین دو وضعیت دیگر است. و به طور کلی هر گونه تناسبی است که لازمه آن برقراری مساوات بین جهات مختلف باشد. (راغب، ۱۳۷۵) انسان رشد یافته اجتماعی از هر نظر خود را متعادل نگه می دارد چه در لذت ، چه در کارها ، و غیره در لذت بردن ، ورزش ، معاشرت ، مطالعه ، و در همه چیز حد اعتدالی برای خود قائل است

## ۵. امیدواری و خوش بینی:

امیدواری و خوش بینی یعنی داشتن روحیه قوی و مستحکم در گذشتن از موانع و آسان گرفتن مشکلات ، انسان رشد یافته اجتماعی در مسائل مهم زندگی موضع گیری می کند و در حرکت بسوی خوشبختی انسانها سهمی مثبت به عهده می گیرد . در مقابل رویدادهای غیر منتظره و حوادث ناگوار خود را نمی بازد ، هر فردی برای رسیدن به مرحله استقلال کامل و زندگی مستقلانه مشکلات زیادی دارد که باید بردبار باشد و امیدوار ، زندگی کردن مساوی است با روبرو شدن با مشکل و این نیازمند به امیدواری است ، امیدواری به اینکه از عهده حل مشکل بر خواهد آمد. و در صورت شکست باید دوباره فعالیت را از سر گرفت.



## ۶. شوخ طبعی و بذله گوئی:

خندیدن به اشتباه دیگران آسان است اما اگر فرد با ضعف ها و شکست های خویش با روحیه شاد و آسان گیر برخورد کند موفق تر است. اگر بتواند قضیه را ( اشتباهات خویش را) با کمی شوخی توأم کند بعد ها نسبت به این ضعف ها و شکستها زیاد حساس نخواهد شد. و این را باید عمیقاً درک کند که: هیچ انسانی کامل نیست و ضعف هایی دارد و او نیز انسان است.

## نتیجه گیری

چون انسان موجودی فطراً اجتماعی است و در قالب ساختارهای اجتماعی شکل خواهد گرفت. بنابراین بدون تردید از نظر اجتماع مهم ترین بعد شخصیت افراد، بعد اجتماعی شخصیت است. در عصر امروز و با توجه به پیچیدگی جوامع و بروز نا بهنجاری های رفتاری و اجتماعی در بین کودکان و نوجوانان، لزوم پرداختن به فرایند رشد شخصیت اجتماعی و اجتماعی شدن بیش از پیش احساس می شود. در تکوین و شکل گیری شخصیت عوامل زیادی تأثیرگذار می باشند. در یک تقسیم بندی کلی می توان عوامل تأثیرگذار در شکل گیری شخصیت را به دو دسته کلی وراثتی و محیطی تقسیم کرد.

خانواده به عنوان اولین عامل محیطی، مهمترین نقش را در رشد شخصیت و اجتماعی شدن کودک بر عهده دارد. اولین رابطه های کودک با محیط پیرامون خود از طریق پدر و مادر و خواهران و برادران کودک شکل می گیرد و الگوبرداری از رفتارهای آنان، روش زندگی او را در آینده مشخص می کند. در صورتی که رفتار اعضای خانواده بر مبنای محبت و مهربانی و احترام متقابل باشد، کودک احساس امنیت و آرامش کرده و بر اثر رشد اجتماعی مطلوب قدرت سازگاری بیشتری با محیط بدست آورده و آمادگی پذیرش مسئولیت و نقشهای گوناگون اجتماعی را در مراحل بعدی زندگی پیدا می کند. از سوی دیگر، کودکان و نوجوانانی دارای سلامت روان و رشد مناسبی هستند که والدین سالم و مناسبی داشته باشند. توجه به احساسات فرزندان، بها دادن به استعداد هایشان، حمایت های عاطفی از آنها، ایجاد انگیزه یادگیری در کودکان و نوجوانان، اقداماتی است که یک خانواده سالم می تواند برای رشد و پرورش سالم فرزند خود انجام دهد.

مدرسه: عامل بیرونی دیگری، که به نحو ویژه ای بر شکل گیری شخصیت مؤثر است. کودکان در مدرسه یاد می گیرند که چگونه رفتار اجتماعی داشته باشند و نقش خود را در اجتماع ایفا کنند. آنها می آموزند که در چه محدوده ای بیندیشند، حسن همکاری داشته باشند و با دیگران همسازی کنند. آنها یاد می گیرند که برای پیشرفت و موفقیت و رضایت خاطر خود، به همکاری و همسازی نیاز دارند. مدرسه می تواند رابطه صحیحی با کودک برقرار کرده و او را آماده پذیرش مسئولیت تصمیم گیری و حل مسائل زندگی سازد.

همسالان عامل دیگری که تأثیر مهمی در شکل گیری شخصیت دارد. پس از آنکه فرد دوره نوزادی و کودکی اول را پشت سر گذاشت و روابط اجتماعی او از محدوده والدین به دیگر اعضای خانواده فراتر رفت، نقش همسالان آشکار می شود. همسالان به شکل های خاص بر شخصیت فرد تأثیر می گذارند. آنها از راه های منحصر به فرد و عمده، در شکل گیری شخصیت، رفتار اجتماعی، ارزش ها و نگرش های دیگر دخالت دارند. کودکان از طریق سرمشدهای اعمالی که قابل تقلید است، با تقویت یا تنبیه پاسخ های خاص و یا ارزشیابی فعالیت های یکدیگر و بازخوردی که به یکدیگر می دهند، در یکدیگر تأثیر می گذارند.

## پیشنهادهات



۱ - مدرسه بهترین مرکز برای فعالیتهای گوناگون اجتماعی است و معلم می تواند علاوه بر فعالیتهای آموزشی با ترویج فعالیتهای گروهی و ایجاد زمینه مناسب برای مشارکت و فعالیت دانش آموزان در کلیه فعالیت های مدرسه و تشکیل اجتماعات ، انجمنها، گردشهای علمی و ... به تربیت اجتماعی آن ها کمک کند.

۲ - استفاده معلم از روش ها و الگوهای تدریس مناسب ، که ضمن تدریس سبب افزایش شاخصه های رشد شخصیت اجتماعی شود

۳ - همه روان شناسان وجود فضای آزاد آموزشی را که در آن ابراز عقاید مختلف دانش آموزان با تأیید و خوشرویی معلمان و دیگران موجه می شود، یکی از عوامل مهم رشد استقلال فکری می دانند . معلم به این منظور می تواند در جلسات درسی خود فرصتی را برای اظهارنظر آزاد عقاید و اندیشه های متنوع در اختیار دانش آموزان قرار دهد و یا دادن خودمختاری و استقلال به دانش آموزان در جاهایی که امکانش وجود دارد، انسانهایی فکور و مستقل که از رشد شخصیت اجتماعی بالایی برخوردار هستند تربیت نماید.

## منابع

- اعتمادی، نادر (۱۳۹۱)، رابطه بین ویژگی های شخصیتی معلمان (درون گرایی و برون گرایی )، پایان نامه کارشناسی ارشد، علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی
- بابایی، شهلا، ۱۴۰۱، عوامل موثر بر شکل گیری شخصیت اجتماعی دانش آموزان با تاکید بر نقش خانواده- مدرسه، هفتمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در مدیریت، روانشناسی و آموزش و پرورش، تهران
- پوررشیدی، رستم؛ جلالی جواران، مرتضی؛ ۱۳۸۹، شخصیت و شکل گیری شخصیت از دیدگاه روانشناسی و قرآن و سنت، نشریه کارآفرینان امیرکبیر، شماره ۶۴، ۱۲ - ۸
- حسین پور، عاطفه و واحدی نژاد، حامد و بهنام، ناهید و آهنی، امیررضا، ۱۴۰۱، نقش مدرسه در شکلگیری شخصیت دانش آموزان، مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، دوره: ۵، شماره: ۴۲
- رضایی، خسرو؛ غلامیان علم، الهام؛ ۱۳۹۶، بررسی و مقایسه میزان سازگاری اجتماعی دانش آموزان ورزشکار و غیرورزشکار در مدارس متوسطه لرستان، چهارمین کنفرانس بین المللی تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۵، المفردات، تهران: مرتضوی
- شاملو، سعید؛ ۱۳۷۴، مکتبها و نظریهها در روان شناسی شخصیت، تهران، رشد، ص ۱۱.
- شولتز، دوان؛ ۱۳۸۴، نظریه های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ویرایش سوم، تهران، مؤسسه نشر ویرایش، ص ۱۱۹.
- توتکله علی پور، علیرضا؛ (۱۳۹۰)، نقش خانواده در رشد اجتماعی کودک،
- <https://rasekhoon.net/article/show/197953>
- قربانی، علیرضا، جمعه نیا، سکینه. (۱۳۹۷). نقش عوامل اجتماعی (خانواده، مدرسه و گروه همسالان) در جامعه پذیری دانش آموزان استان گلستان. جامعه شناسی کاربردی، ۲۹(۲)، ۱۱۳-۱۲۸
- کریمی، یوسف؛ ۱۳۷۸، روان شناسی شخصیت، تهران، مؤسسه نشر ویرایش، ص ۲۳۴.
- لطف عطا، آیناز. (۱۳۸۷). تاثیر عوامل محیطی بر یادگیری و رفتار در محیط های آموزشی (ابتدایی) در شهر. مدیریت شهری، ۶(۲۱)، ۷۳-۹۰.
- ملکی پور، احمد؛ ۱۳۹۳، نقش مؤلفه های محیطی بر رشد همه جانبه کودکان، رشد آموزش پیش دبستانی، دوره ششم، شماره ۱



ماسن، پاول هنری و همکاران، ۱۳۶۸، رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، تهران، نشر مرکز، ص ۴۵۸.  
واعظی، سارا (۱۳۹۴)، رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و تفکر انتقادی با صلاحیت اجتماعی در دانشجویان، پایان نامه کارشناسی  
ارشد، روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی  
همت بناری، علی؛ ۱۳۸۹، شخصیت و مهم‌ترین عوامل غیروراثتی شکل‌گیری آن،  
<http://marifat.nashriyat.ir/node/384>

Chirstopher A. Magee and Patrick C.L. Heaven. (2011). "Big – five personality factors, obesity and 2 year weight gain Australian adults". Journal of research in personality. Vol. 45, Issue 3, PP. 332-335.